

خبر
اختلال اینترنت و بی ثباتی اقتصادی در کمین نیروی انسانی
صنعت گردشگری ایران قفل شده است

رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران با هشدار نسبت به وضعیت بحرانی صنعت گردشگری کشور اعلام کرد که دفاتر مسافرتی پس از ماه‌ها رکود، جنگ، بی‌ثباتی اقتصادی و اختلال اینترنت، دیگر توان تاب‌آوری ندارند و در صورت ادامه شرایط فعلی، بخش مهمی از نیروی انسانی متخصص این صنعت از بین خواهد رفت.

حرم‌الله رفیعی در گفت‌وگو با ایلنا درباره وضعیت صنعت گردشگری در شرایط «نه جنگ، نه صلح» گفت: امروز مهم‌ترین مطالبه فعالان گردشگری، بخشودگی بیمه‌ای و مالیاتی است؛ فشارهای مالیاتی و بیمه‌ای همچنان ادامه دارد.

او با اشاره به مصوبه دولت برای امهال شش‌ماهه بیمه فعالان گردشگری تاکید کرد: امهال بیمه دردی از گردشگری دوا نمی‌کند؛ ما نیازمند بخشودگی هستیم. دفاتر مسافرتی از نوروز سال گذشته تاکنون تقریباً هیچ فعالیت اقتصادی نداشته‌اند.

رفیعی با انتقاد از نحوه برخورد دستگاه‌های دولتی با صنعت گردشگری گفت: «در بحرانی‌ترین زمان‌ها، شوراهای مالیاتی فعال‌تر می‌شوند و سازمان‌های بیمه‌ای نامه‌های پرداخت ارسال می‌کنند، در حالی که صنعت گردشگری عملاً تعطیل است. او تاکید کرد که دولت باید نگاه خود به گردشگری را تغییر دهد، چراکه این صنعت می‌تواند سریع‌تر از بسیاری از بخش‌های اقتصادی کشور را از نحوه برخورد دستگاه‌های دولتی با صنعت گردشگری نجات دهد.»

به گفته رفیعی، بعد از هر بحران، اولین صنعتی که می‌تواند بدون هزینه سنگین دولتی اقتصاد را احیا کند، گردشگری است.

رئیس صنفی دفاتر خدمات مسافرتی همچنین از بی‌نتیجه ماندن بسته‌های حمایتی دولت انتقاد کرد؛ گفت: تا امروز هیچ‌کدام از حمایت‌هایی که درباره آن صحبت شده، به فعالان گردشگری نرسیده است.

او با اشاره به درآمدهایی که صنعت گردشگری برای دولت ایجاد می‌کند، افزود: مسافران عوارض خروج از کشور پرداخت می‌کنند، مالیات ورود گردشگران خارجی دریافت می‌شود و حتی برای تجهیز فرودگاه‌ها از مسافران ۱۰ یورو اضافه گرفته می‌شود، اما اکنون که گردشگری دچار بحران شده، هیچ بخشی از این درآمدها به کمک این صنعت نمی‌آید.

رفیعی اعلام کرد که براساس برآوردهای ارائه شده به وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، صنعت گردشگری تنها طی دو ماه اخیر حدود ۵۰صمت زیان دیده است.

به گفته او، خروج نیروی انسانی متخصص از گردشگری اکنون به یکی از بحران‌های اصلی این صنعت تبدیل شده است. رفیعی گفت: بسیاری از کارکنان آموزش‌دیده دفاتر مسافرتی به دلیل نبود درآمد، جذب مشاغل دیگری مانند آرایشگری و فعالیت‌های غیرمرتبط شده‌اند. او افزود: سال‌ها برای آموزش این نیروها هزینه شد، اما چون حمایت صورت نگرفت، صنعت گردشگری آن‌ها را از دست داد و در نهایت بار بیمه بیکاری هم روی دوش دولت افتاد. رفیعی معتقد است اگر دولت در سال‌های گذشته به درخواست فعالان گردشگری برای ارائه تسهیلات یا تنفس یک‌ساله توجه می‌کرد، امروز بخش عمده‌ای از نیروهای انسانی این صنعت حفظ شده بودند. اما بحران گردشگری تنها به مسائل مالی محدود نمی‌شود.

رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرتی، اختلال اینترنت و محدودیت دسترسی به فضای مجازی را یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌ها به گردشگری ایران دانست و گفت: اینترنت ابزار اصلی کار دفاتر مسافرتی است، اما امروز بسیاری از دفاتر حتی امکان ارتباط با شرکای خارجی و شرکت‌های هواپیمایی را ندارند. او تاکید کرد: دفاتر مسافرتی نیازی به شبکه‌های اجتماعی خاص ندارند، بلکه تنها خواهان دسترسی پایدار به یک بستر ارتباطی برای پیگیری تورها، پروازها، ارتباط با مشتریان و بازگرداندن پول مسافران هستند. رفیعی با انتقاد از روند پیچیده دریافت اینترنت برای دفاتر گردشگری گفت: برای دسترسی به اینترنت باید از انجمن به معاونت گردشگری، از آنجا به وزارت میراث‌فرهنگی و سپس به وزارت ارتباطات نامه‌نگاری شود، در حالی که اینترنت لازمه فعالیت‌روزانه دفاتر خدمات مسافرتی است. او وضعیت فعلی را «قفل شدن صنعت گردشگری» توصیف کرد و گفت: بسیاری از دفاتر حتی امکان پاسخگویی به مشتریان یا تسویه حساب با شرکت‌های خارجی را ندارند. رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرتی گفت: تا زمانی که گردشگری در ایران به‌عنوان یک صنعت راهبردی شناخته نشود، مشکلات آن ادامه خواهد داشت. او با مقایسه گردشگری با صنایع نفت و پتروشیمی گفت: برای ساخت پالایشگاه یا دیگر میلیاردها تومان هزینه و سال‌ها زمان صرف شود، اما گردشگری زیرساخت خود را از قیل دراز، آلودگی زیست‌محیطی هم ایجاد نمی‌کند و زودبازده است.

رفیعی با اشاره به آمار گردشگری جهانی گفت کشورهایی مانند فرانسه با حدود ۹۰ میلیون گردشگر ورودی و ترکیه با حدود ۶۰ میلیون گردشگر، بخش مهمی از اقتصاد خود را بر پایه گردشگری بنا کرده‌اند، اما در ایران هنوز نگاه جدی به این صنعت وجود ندارد.

او تاکید کرد: گردشگری می‌تواند نجات‌دهنده اقتصاد ایران باشد، اما تا زمانی که نگاه دولت و مجلس به این صنعت، یک نگاه حاشیه‌ای و غیربرابردی باشد، اتفاقی در این حوزه رخ نخواهد داد.



گزارشی از سونامی تعدیل نیرو، بحران معیشت و زوال حرفه‌ای در رسانه‌های در دوران پساجنگ

آوارگی تدبیری بر بدنه نحیف مطبوعات

جنگ تمام شد، اما برای بسیاری از روزنامه‌نگاران ایران، ترازوی تازه آغاز شده است. در حالی که غبار «جنگ رمضان» فرو می‌نشیند، روزنامه‌نگاران نه‌با صدای آژیر قرمز، که با لرزش پیامک‌های اخراج لرزه بر اندامشان می‌افتد، قلم‌هایی که در جنگ راوی ایستادگی یک ملت بودند، حالا زیر آوار دلار ۱۸۰ هزار تومانی و کاغذ ۳۴ میلیونی خرد می‌شوند.



بزرگی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی رخ می‌دهد که دیگر امکان جمع کردن آن وجود ندارد، مگر اینکه یک ریسنااس اتفاق بیفتد و همه‌چیز از صفر شروع شود. این وضعیت بحران‌های ما را چندین برابر می‌کند.»

او با ابراز تأسف از فضای حاکم بر صنف مطبوعات گفت: «وقتی احترام به همکار و شنیدن صدای او وجود نداشته باشد، واقعا باید

گفت "از سنگ صدا آمد، از اهل صدانه". در شرایطی که روزنامه‌نگار می‌بیند همکاریش در حال غرق شدن است و سکوت می‌کند، باید بداند فردا نوبت خود اوست. زمانی سرویس‌های اجتماعی با سیاسی ۱۵ نفر نیرو داشتند، اما امروز به یک نفر رسیده‌اند. اگر تدبیری از طرف انجمن‌ها و کسانی که صدای دارند صورت نگیرد، نمی‌دانم به کجا خواهیم رفت. جس فعلی بسیار افتضاح است و هرچند بعید می‌دانم تغییری حاصل شود، اما نمی‌خواستم جزو کسانی باشم که حرفشان را نزنه‌اند.»

ترازوی اخراج با پیامک؛ وقتی حرمت قلم زیر پا له می‌شود
آنچه امروز در تحریریه‌های رخ می‌دهد، تنها یک تعدیل نیروی ساده ناشی از بحران مالی نیست؛ بلکه سقوط اخلاقی در ساختار مدیریتی رسانه‌های ماست. روایت‌های تکان‌دهنده از خبرنگاران که در گزارش‌های اخیر بازتاب یافته، نشان می‌دهد که امنیت شغلی در این حرفه به پایین‌ترین سطح خود در دهه‌های اخیر رسیده است.

در ادامه، یک خبرنگار باسابقه حوزه اقتصاد در گفتگو با خبرنگاران، در جزئیات تکان‌دهنده تعدیل نیرو در یکی از روزنامه‌های کنترلالنتشار و برخورد غیرحرفه‌ای مدیران با بدنه تحریریه در آستانه سال نو پرده برداشت.

در تشریح آغاز این بحران اظهار داشت: «ماجرای درست از روز آغاز جنگ شروع شد. در همان روز تماس گرفتند و اعلام کردند، فعلا سر کار نمانید. در آن مقطع کلمه "تعطیل" به کار برده شد، اما گفته شد چون تعداد صفحات روزنامه کاهش یافته و صفحاتی نظیر "خودرو" حذف شده‌اند، دیگر نیازی به حضور شما نیست.» این خبرنگار با انتقاد از نحوه اطلاع‌رسانی این تصمیم افزود: «تا چند روز مانده به عید، مدیر ایلاخ رسمی از سوی منابع انسانی صورت گرفت. خبر تعدیل مثل یک شایعه در گروه‌های دوستانه میان خبرنگاران پیچید. در واقع، این خود چیه‌ها بودند که خبر اوزاج را به یکدیگر می‌دادند، نه مدیریت رسانه. جالب اینجاست که روزی که من برای پیگیری به روزنامه رفتم، بسیاری از همکاران که نامشان در لیست تعدیل بود، هنوز پشت میزهایشان مشغول کار بودند و روحشان هم خیر نداشت که از فردا دیگر جایی در تحریریه ندارند.»

علی‌اصغر برابرا بحران‌های اخیر در تحریریه‌ها گفت: «این بدنه محدود از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای که باقی مانده بودند، اکنون به یک رتنگ‌ها بزرگ رسیده‌اند. در تحولات اخیر مملکت، شاهد حجم وسیعی از تعدیل‌ها بودیم که در واقع بخشی از آن‌ها را باید "اخراج" نامید. این در حالی است که روزنامه‌نگاران در تمام این مدت، به روزنامه‌های غیردولتی، مینا را بر اعتماد میان مدیرمسئول و بدنه تحریریه گذاشته بودند.»

او تاکید کرد: «این اعتماد به این دلیل شکل گرفته بود که ما با وجود باقو‌های بسیار پایین و شرایط غیرعادی، به خاطر عشق به روزنامه‌نگاری و تلاش برای اطلاع‌رسانی و بقا در وطن، کار می‌کردیم. اما در سر رتنگ‌ها، ناگهان با تعدیل‌ها روبرو شدیم. گویی آن اعتماد و حسالت تلاش نادیده گرفته شد. چطور ممکن است فردی که سال‌ها رحمت کشیده، بدون هیچ تعاملی، بدون مشورت و بدون در نظر گرفتن حقوقش ناگهان حذف شود؟ آیا در یک تحریریه، اولین چیزی که باید حذف شود، خبرنگاران است؟»

تغییر مدل مدیریت؛ از نیروی متخصص تا "حق‌التحریر"

این فعال رسانه‌ای با نقد نگاه مدیران مسئول بیان داشت: «اعتقاد من این است که بسیاری از مدیران مسئول به این نتیجه رسیده‌اند که تحریریه به صورت "حق‌التحریری" اداره کنند و دیگر نیازی به نیروی ثابت ندارند. آن‌ها ترجیح می‌دهند تعداد محدودی نیرو داشته باشند تا فقط کار را "پاری به هر جهت" پیش ببرند. اما سوال اینجاست که آیا رسالت روزنامه‌نگاری جز تعهد نسبت به مردم است؟ اگر قورده است نگاه صرفه تجاری باشد، چرا وارد کسب‌وکارهای دیگر نمی‌شود؟» او افزود: «حق باید به مردم داده شود که سال‌ها نسبت از روزنامه‌های داخلی سلب اعتماد کرده‌اند. بخشی از این سلب اعتماد به محدودیت‌ها برمی‌گردد، اما بخش دیگر ناشی از نبود تعهد به مردم است. این مدل که چند نرث ثابت بمانند و بقیه حق‌التحریر باشند تا بار مالی کم شود، ربطی به شرایط جنگی و… ندارد؛ این رویه‌ای است که از قیل دنبال می‌کردند.»

تهدید هوش مصنوعی و زوال نگاه حرفه‌ای

علی‌اصغر در بخش دیگری از سخنان خود به ورود هوش مصنوعی به حوزه تولید محتوا اشاره کرد و گفت: «اکنون از هوش مصنوعی استفاده می‌کنند تا بگویند کار راحت انجام می‌شود. یک اپراتور بدون آگاهی رسانی را می‌گذرانند تا با هوش مصنوعی مطلب تولید کند. این دقیقا همان مدلی است که زمانی "چپ‌چین‌ها" را به بخش‌های سوشال مدیا جایگزین روزنامه‌نگار کردند؛ در حالی که رسانه نیاز به دیدگاه و نگاه درست دارد. چون فکر می‌کردند چپ‌چین نیاز به علم روزنامه‌نگاری ندارد و صرفاً باید خبر را پارگذاری کنند.»

او با انتقاد از وضعیت فعلی محتوای رسانه‌ها تصریح کرد: «امروز ۹۹ درصد رسانه‌ها را که باز می‌کنید، مطالبشان مثل هم است؛ یک کپی‌کاری صرف. ما اکنون با آخرین نسخه‌های رسانه‌ها روبرو هستیم. اگر قرار است صدای مردم شنیده شود، باید از طریق رسانه‌های تقویت‌شده و حرفه‌ای باشد، وگرنه کار به سمت فضای مجازی نمی‌رود که هیچ ارزیابی در آن وجود ندارد و فیک‌نیوزها غالب می‌شوند.»

پیامدهای اجتماعی و فرهنگی زوال رسانه

فاطمه علی‌اصغر در پایان نسبت به تبعات این وضعیت هشدار داد: «وقتی آگاهی واقعی از جامعه وجود نداشته باشد، نارسایی‌های

فرهنگ و هنر

گزارشی از سونامی تعدیل نیرو، بحران معیشت و زوال حرفه‌ای در رسانه‌های در دوران پساجنگ

آوارگی تدبیری بر بدنه نحیف مطبوعات

جنگ تمام شد، اما برای بسیاری از روزنامه‌نگاران ایران، ترازوی تازه آغاز شده است. در حالی که غبار «جنگ رمضان» فرو می‌نشیند، روزنامه‌نگاران نه‌با صدای آژیر قرمز، که با لرزش پیامک‌های اخراج لرزه بر اندامشان می‌افتد، قلم‌هایی که در جنگ راوی ایستادگی یک ملت بودند، حالا زیر آوار دلار ۱۸۰ هزار تومانی و کاغذ ۳۴ میلیونی خرد می‌شوند.



بزرگی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی رخ می‌دهد که دیگر امکان جمع کردن آن وجود ندارد، مگر اینکه یک ریسنااس اتفاق بیفتد و همه‌چیز از صفر شروع شود. این وضعیت بحران‌های ما را چندین برابر می‌کند.»

او با ابراز تأسف از فضای حاکم بر صنف مطبوعات گفت: «وقتی احترام به همکار و شنیدن صدای او وجود نداشته باشد، واقعا باید گفت "از سنگ صدا آمد، از اهل صدانه". در شرایطی که روزنامه‌نگار می‌بیند همکاریش در حال غرق شدن است و سکوت می‌کند، باید بداند فردا نوبت خود اوست. زمانی سرویس‌های اجتماعی با سیاسی ۱۵ نفر نیرو داشتند، اما امروز به یک نفر رسیده‌اند. اگر تدبیری از طرف انجمن‌ها و کسانی که صدای دارند صورت نگیرد، نمی‌دانم به کجا خواهیم رفت. جس فعلی بسیار افتضاح است و هرچند بعید می‌دانم تغییری حاصل شود، اما نمی‌خواستم جزو کسانی باشم که حرفشان را نزنه‌اند.»

ترازوی اخراج با پیامک؛ وقتی حرمت قلم زیر پا له می‌شود
آنچه امروز در تحریریه‌های رخ می‌دهد، تنها یک تعدیل نیروی ساده ناشی از بحران مالی نیست؛ بلکه سقوط اخلاقی در ساختار مدیریتی رسانه‌های ماست. روایت‌های تکان‌دهنده از خبرنگاران که در گزارش‌های اخیر بازتاب یافته، نشان می‌دهد که امنیت شغلی در این حرفه به پایین‌ترین سطح خود در دهه‌های اخیر رسیده است.

در ادامه، یک خبرنگار باسابقه حوزه اقتصاد در گفتگو با خبرنگاران، در جزئیات تکان‌دهنده تعدیل نیرو در یکی از روزنامه‌های کنترلالنتشار و برخورد غیرحرفه‌ای مدیران با بدنه تحریریه در آستانه سال نو پرده برداشت.

در تشریح آغاز این بحران اظهار داشت: «ماجرای درست از روز آغاز جنگ شروع شد. در همان روز تماس گرفتند و اعلام کردند، فعلا سر کار نمانید. در آن مقطع کلمه "تعطیل" به کار برده شد، اما گفته شد چون تعداد صفحات روزنامه کاهش یافته و صفحاتی نظیر "خودرو" حذف شده‌اند، دیگر نیازی به حضور شما نیست.» این خبرنگار با انتقاد از نحوه اطلاع‌رسانی این تصمیم افزود: «تا چند روز مانده به عید، مدیر ایلاخ رسمی از سوی منابع انسانی صورت گرفت. خبر تعدیل مثل یک شایعه در گروه‌های دوستانه میان خبرنگاران پیچید. در واقع، این خود چیه‌ها بودند که خبر اوزاج را به یکدیگر می‌دادند، نه مدیریت رسانه. جالب اینجاست که روزی که من برای پیگیری به روزنامه رفتم، بسیاری از همکاران که نامشان در لیست تعدیل بود، هنوز پشت میزهایشان مشغول کار بودند و روحشان هم خیر نداشت که از فردا دیگر جایی در تحریریه ندارند.»

علی‌اصغر برابرا بحران‌های اخیر در تحریریه‌ها گفت: «این بدنه محدود از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای که باقی مانده بودند، اکنون به یک رتنگ‌ها بزرگ رسیده‌اند. در تحولات اخیر مملکت، شاهد حجم وسیعی از تعدیل‌ها بودیم که در واقع بخشی از آن‌ها را باید "اخراج" نامید. این در حالی است که روزنامه‌نگاران در تمام این مدت، به روزنامه‌های غیردولتی و نیمه‌مستقل بازمی‌گرد؛ رسانه‌هایی که فضایشان با رسانه‌های اصولگرا یا نهادهای وابسته به بدنه دولت کاملاً متفاوت است.»

او با اشاره به تاریخچه تضعیف بدنه مطبوعات افزود: «بدنه قوی رسانه‌ای که پس از دوران "بهار مطبوعات" شکل گرفته بود، به تدریج در گذر زمان به دلیل مسائلی همچون محدودیت‌های آزادی بیان، تضعیف تقویت‌شده و عدم تعهد رسانه‌ها به نیروی انسانی، تحلیل رفت. بسیاری از روزنامه‌نگاران درخشان و صاحب‌نگاه، تغییر شغل داده یا مهاجرت کردند و این بدنه زورپروز لاغرتر شد.»

اعتماد نادیده گرفته شده و اخراج‌های بی‌ضابطه

فدان امنیت شغلی و بی‌احترامی مدیران
او با اشاره به بی‌بست‌گفتگو با مدیران ارشد روزنامه گفت: «بدترین بخش ماجرا بی‌احترامی حاکم بر فضا بود. توقع داشتم دست‌کم جلسه‌ای برگزار کنند و شرایط را توضیح دهند، اما مدیرمسئول حتی حاضر نشد با چیه‌های تعدیل‌شده صحبت کند و آن‌ها را به منشی خود ارجاع می‌داد. سردبیر و مدیران میانی هم به سختی و بدون ارائه هیچ توضیح قانع‌کننده‌ای حاضر به گفتگو می‌شدند.»

این روزنامه‌نگار تصریح کرد: «من به آن‌ها گفتم اگر من بخوام روزنامه را ترک کنم، باید از یک ماه قبل اطلاع بدم، اما شما در اوج جنگ و چند روز مانده به عید، بدون هیچ فرصتی همکاری را قطع کردید. این رفتار نشان می‌دهد که امنیت شغلی در رسانه‌های ما نه ضعیف، بلکه اساساً وجود خارجی ندارد.»

کوج از تخصصی‌گریایی به تولید محتوای بازاری

این خبرنگار که ۸ سال سابقه فعالیت حرفه‌ای دارد، درباره آینده حرفه روزنامه‌نگاری هشدار داد: «وقتی تمام تعهد و زمانی که برای کارت گذاشته‌ای در یک ساعت نادیده گرفته می‌شود، انگیزه خبرنگاران قدیمی و ماهر برای اعلام کدم، اما بین می‌رود. اکنون اولویت بسیاری از دوستان حرفه‌ای من، خروج از فضای رسانه و ورود به حوزه‌هایی نظیر روابط‌عمومی، کارشناسی تولید محتوا در شرکت‌های فعالیت‌های تبلیغاتی است.»

او در پایان خاطرنشان کرد: «این موج باعث دور شدن نیروی متخصص از فضای رسانه می‌شود. در نهایت، روزنامه‌نگاری از یک شغل تخصصی به یک کار پاره‌وقت دانشجویی تنزل پیدا می‌کند، ما در سال‌های اخیر شاهد کاهش شدید کیفیت بودهایم، اما با روند فعلی، رسانه‌ها به نقطه‌ای نیز وضعیت نرمالی نداشت. با بروز اتفاقات اخیر، شرایط بدتر شد و مدیریت تصمیم گرفت تعدادی از نیروها را تعدیل کند که قرعه به نام بخش‌های اجتماعی و اقتصادی افتاد.»

او با اشاره به توخالی شدن تحریریه‌ها از نیروی متخصص افزود: «حتی در دوره‌ای سرویس اجتماعی روزنامه را من به تنهایی اداره می‌کردم. در بخش اقتصادی نیز احتمالاً کار را به دو یا سه نیروی حق‌التحریری سپرداند. اکنون روزنامه با صفحات بسیار محدود در بخش‌های سیاسی و بین‌الملل منتشر می‌شود. به ما هم هیچ توضیح شفافی ندادند؛ صرفاً گفتند کیفیت می‌رسند که بحران آن شکل ادامه دهد و افق پیش رو روشن نیست.»

سرخوردگی از حرفه و ورود نیروهای غیرمتخصص

این خبرنگار با تاکید بر اینکه دیگر تمایلی به بازگشت به دنیای خبر ندارد، تصریح کرد: «امینک هستم که اگر در حوزه دیگری

صرفاً برای مقاصد اقتصادی دیگر، مثل گرفتن امتیاز واردات یا معافیت‌های مالیاتی، آن را حفظ می‌کنند. با خروج نیروهای متخصص و جایگزینی آن‌ها با افراد کم‌تجربه، کیفیت مطالب افت شدیدی خواهد کرد و رسالت آگاهی‌بخشی رسانه به طور کامل نابود می‌شود.»

انفعال وزارت ارشاد؛ چتری که بر سر هیچ‌کس نیست

در حالی که صنف روزنامه‌نگار در میانه طوفان تعدیل و بی‌پولی در حال غرق شدن است، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی اصلی، هنوز اقدامی برای جلوگیری از این سقوط نکرده است. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در بیانیه‌ای، از وزارت ارشاد خواسته است تا چتر حمایتی خود را بگستراند.

انفعال در برابر تعدیل‌های گسترده در روزنامه‌هایی چون «پیام ما» و «دنیای اقتصاد»، نشان‌دهنده یک بی‌تفاوتی سیستماتیک نسبت به سرنوشت نخبگان رسانه‌ای است. وقتی بدنه حرفه‌ای مطبوعات به دلیل فقر و ناامنی شغلی از بین برود، جای خالی آن‌ها را «نیروهای کارآموز» و «میراث‌نویس‌های مدرن» پر خواهند کرد که تنها وظیفه‌شان بازتولید روایت‌های فرمایشی است؛ اتفاقی که به معنای مرگ قطعی روزنامه‌نگاری تحقیقی و انتقادی در ایران است. **پیروزی سکوت و فقر حقیقت؛ گفتگو با افشین امیرشاهی درباره بحران رسانه‌ای**

در ادامه گفتگوهای خبرنگاران، افشین امیرشاهی، سردبیر روزنامه «هفت صبح»، در گفتگویی به واکاوی ابعاد نگران‌کننده موج تعدیل روزنامه‌نگاران پرداخته و این پدیده را نه تنها یک بحران صنفی، بلکه تهدیدی جدی برای آگاهی عمومی و سلامت جامعه دانست.

امیرشاهی با اشاره به تجربه شخصی اخیر خود در محیط کار اظهار داشت: «مطبوعات فضای کوچکی است و همه ما از طریق دوستان و همکاران در جریان این اخبار ناگوار هستیم. اخیراً در روزنامه «هفت صبح» برای سه حوزه تخصصی گیم، رمزارز و انرژی فراخوان جذب نیرو دادیم و در اتفاقی بی‌سابقه، با ۱۱۰ رزومه مواجه شدیم. این حجم از متقاضی نشان‌دهنده وضعیت بحرانی و بیکاری گسترده در بدنه حرفه‌ای رسانه‌هاست.»

او افزود: «رسانه روزهای بحرانی کم نداشته، اما اکنون در بحرانی‌ترین دوران خود به سر می‌برد. خبرنگاران همیشه درگیر «تلاش معاش» بوده‌اند، اما هیچ‌گاه مثل امروز با چنین عدم امنیت اقتصادی مواجه نبودند. این وضعیت اجازه نمی‌دهد خبرنگار شجاع، مستقل و حرفه‌ای بماند. ما شاهد یک بحران خاموش در عقل عمومی کشور هستیم.»

خاموش کردن چراغ‌های نظارت و پیروزی فساد

این بیشکسوت مطبوعات با تبیین نقش نظارتی رسانه گفت: «خبرنگار چشمی برای دیدن فساد، تبیض و دروغ است. وقتی حقوق او شکوف و بیکار می‌شود، در واقع یک چراغ از خاموش و یک دوربین را قطع می‌کنند. این اتفاق نوعی "پیروزی سکوت" است که از طریق اخراج و تعدیل انجام می‌شود. وقتی روزنامه‌نگار حرفه‌ای خانه نشین شود، فساد راحت‌تر نفس می‌کشد.»

او با اشاره به خروج گسترده کارکنند از چرخه اطلاع‌رسانی تصریح کرد: «بسیاری از خبرنگاران مجرب با مهاجرت کرده‌اند یا کار را رها رسیده و کنار گذاشته‌اند. وقتی نسل جدید می‌بیند که یک فرد با ۲۰ سال سابقه، امنیت اقتصادی ندارد، ناامید می‌شود. این موج ناامیدی به خانواده‌ها و دانشجویان هم سرایت می‌کند و نتیجه آن، فقر حقیقت در کشور خواهد بود. رسانه‌ای که پول ندارد، دیگر نمی‌تواند کار میدانی عمیق انجام دهد.»

پیامدهای امنیتی و سیاسی تضعیف رسانه‌های داخلی

امیرشاهی در بخش دیگری از سخنان خود به ریشه‌های سیاست‌گذاری این بحران پرداخت و گفت: «سیاست‌گذاران در تمام این سال‌ها رسانه را به چشم یک «هزینه اضافه» دیده‌اند، نه یک زیرساخت ملی برای توسعه، پایدار. فشارهای سیاسی و امنیتی، از تقویت شکایات تا احراز امنیت، همیشه وجود داشته و اقتصاد رسانه نیز عملاً رها شده است. بازار تبلیغات سالمی وجود ندارد و رسانه‌های مستقل‌ا باید وابسته شوند یا تعطیل.»

او هشدار داد: «انفاده‌ای رسمی تصور می‌کردند با تضعیف رسانه‌های حرفه‌ای می‌توانند اقدام عمومی را کنترل کنند، اما نتیجه برعکس شد. با حذف خبرنگار حرفه‌ای، مرجعیت خبری و فضای ملتهب مجازی به کاتال‌های بی‌هویت و رسانه‌های خارج از کشور واگذار شد. این‌ها ثمره همان سیاست‌گذاری‌های غلط است.»

عادی‌سازی سقوط و زوال شجاعت

سردبیر هفت صبح نسبت به عادی شدن خبر بیکاری خبرنگاران در جامعه هشدار داد و گفت: «خطرناک‌ترین بخش ماجرا این است که جامعه در حال عادت کردن به شنیدن خبر بیکاری بچه‌های رسانه است. شجاعت با جیب خالی به دست نمی‌آید؛ وقتی خبرنگار با نهاد قدرتی مواجه است که از سوال خوشش نمی‌آید، هرچه تعداد خبرنگاران کمتر شود، سوالات هم کمتر می‌شود و این دقیقاً همان چیزی است که برخی می‌خواهند.»

او در پایان خاطرنشان کرد: «این سقوط رسانه به بهای پامال شدن حق مردم تمام می‌شود. گویی همه پذیرفته‌اند که خبرنگار باید فقیر و محتاج باشد، رسانه ضعیف بماند و حقیقت بی‌پناه رها شود. این‌ها سرمایه‌های انسانی ارزشمندی هستند که حافظه و قدرت تحلیل جامعه بودند، اما اکنون با خانه‌نشین شدن‌ها در حال خروج از کشور هستند.»

لیستی که هر روز طوفانی‌تر می‌شود؛ اسامی رسانه‌های درگیر

تعدیل

اگر بخواهیم تصویری دقیق از وضعیت بیکاری در صنف رسانه ارائه دهیم، باید به اسامی مشخصی اشاره کنیم که در گزارش‌های فروردین در اردیبهشت ۱۴۰۵ به عنوان کارکنان‌های تعدیل معرفی شده‌اند. این لیست، نه فقط یک آمار، بلکه سیاهه‌ای از نابودی تخصص در ایران است:

روزنامه پیام ما: توقف فعالیت کامل؛ تمامی اعضای تحریریه و کادر اداری (حدود ۵۰ نفر) بیکار شده‌اند.

روزنامه دنیای اقتصاد: تعدیل بیش از ۱۰۰ نفر از نیروهای بخش‌های مختلف به دلیل جهش هزینه‌های کاغذ و افت درآمدهای آگهی.

روزنامه مهم‌مین: توقیف روزنامه و بی‌کاری بیش از بیست نفر. خبرنگارهای محلی در استان‌ها؛ گزارش‌ها از لرستان، کردستان و فارس حاکی از تعدیل نیروهای حق‌الزحمه‌ای و قراردادی در ابعاد وسیع است.

اینترنت، بخش‌های تولید محتوای تصویری و ویدئویی در بسیاری از خبرگزاری‌ها به طور کامل منحل شده است.

مجموع این ارقام نشان می‌دهد که در عرض کمتر از سه ماه، بیش از ۵۰۰ خبرنگار و نیروی فنی رسانه، نه هوش شغلی خود را دست داده‌اند. این فاجعه در حالی رخ می‌دهد که هیچ نهادی مسئولیت آن را بر عهده نمی‌گیرد و خبری از هیچ برنامه حمایتی نیست.

قلم‌هایی که برای نان می‌لرزند

بخش مهمی از امنیت در یک کشور یعنی روزنامه‌نگاری قلمش از ترس بیکاری لرزد. وقتی نخبگان رسانه‌ای کشور به دلیل فقر و تبعیض دیجیتال مجبور به ترک حرفه می‌شوند، فضای عمومی به تسخیر روایت‌های دروغین و رسانه‌هایی درخواد آمد که هیچ دلسوزی برای ایران ندارند.

واقعیت این است که در یک تحریریه تعطیل، حتی اینترنت ۵ گیگابایتی «پرو» هم دردی را دوا نمی‌کند و اگر امروز فکری برای ترمیم این جرحات نباشد، فردا برای هرگونه روایت‌گری دیر خواهد بود.